

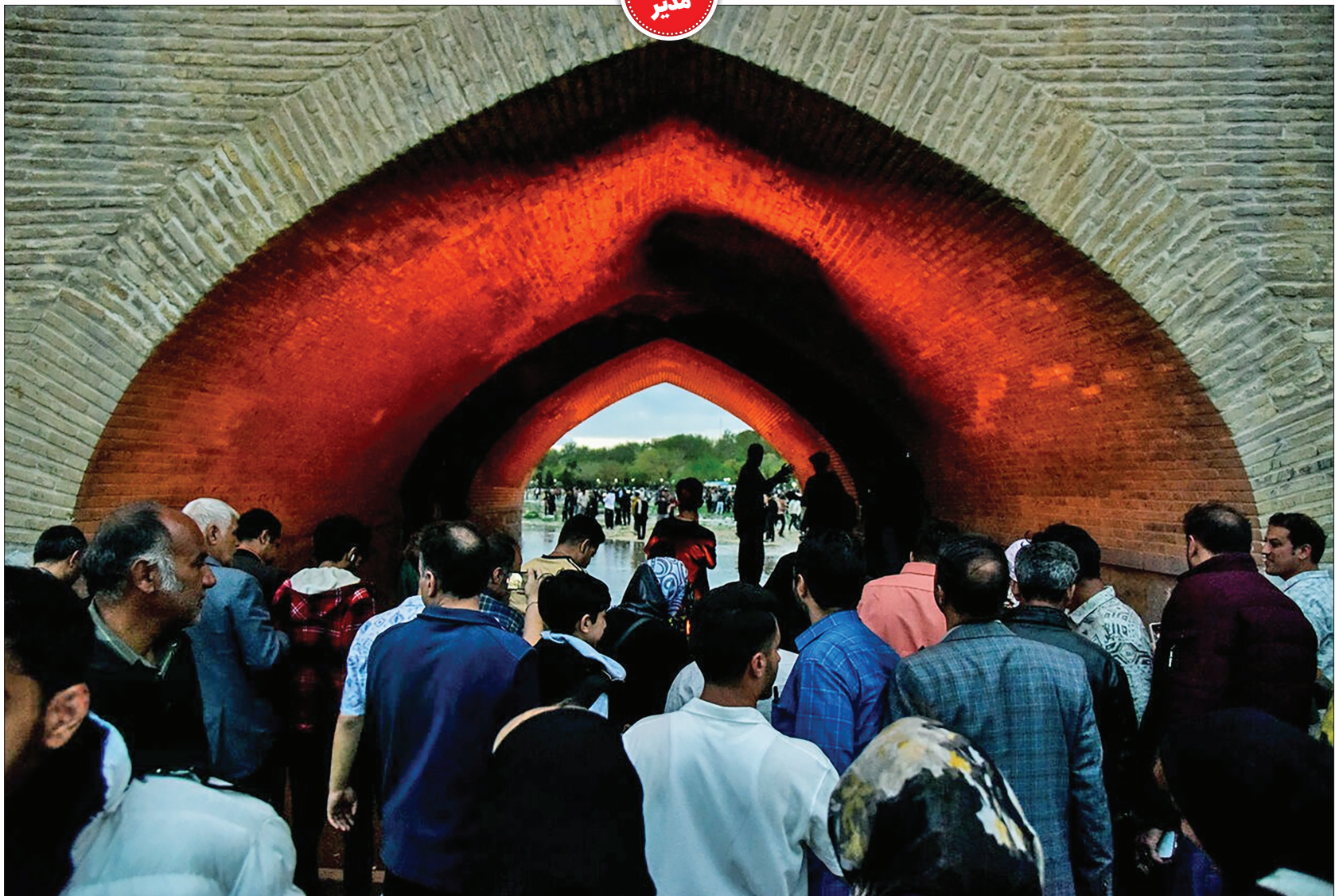
تهران، شهری برای حضور
یا حذف؟

محمد محمدی

جامعه‌شناس شهری

آیا همه ساکنان یک شهر، به یک اندازه حق ماندن، بودن و زیستن در فضای شهری را دارند؟ پاسخ به این پرسش در تهران، نه تنها ساده نیست، بلکه در پیچه‌ای است به بحرانی پیچیده‌تر به نام «مالکیت شهری». عجلاناً اگر روی این گزاره بایستیم که مفهوم مالکیت در نظام حقوقی ایران معمولاً محدود به تملک رسمی و سنددار بر مال تعریف می‌شود، به شکل ملموس‌تری قدرت، سیاست و تعلق را در شهر به شکل دیالکتیکی بازتولید کردیم. فردی که مالک خانه‌ای در شمال تهران است، نه فقط مالک فیزیکی ملک، بلکه مشارکت‌کننده‌ای در تعیین چشم‌اندازهای اقتصادی، زیبایی‌شناختی و حتی اجتماعی شهر تلقی می‌شود. در مقابل، شهروندی که در خلایل، شوش یا محله‌های قدیمی وی‌سند زندگی می‌کند، در مواجهه با قانون، بازار و حتی رسانه‌ها، اغلب فاقد «حق به حضور» شناخته می‌شود. در تهران امروز، مالکیت صرفاً به معنای داشتن خانه نیست، بلکه می‌توان گفت، داشتن «حق بر فضای شهری» است. برای فهم این وضعیت، باید کمی عقب‌تر ایستاد. در تاریخ معاصر ایران، رابطه شهر با مالکیت همواره تنش آلود بوده است. زمین در ایران، ابتدا به واسطه احیاء و حیات معنایی یافت. کسی که زمینی را آباد می‌کرد، مستحق مالکیت آن شمرده می‌شد اما این معنا به تدریج و با مداخلات دولت، شهرسازی مدرن و تثبیت مالکیت رسمی دگرگون شد. از دهه ۳۰ به بعد، با تصویب «لایحه ثبت اراضی موات اطراف تهران»، دیگر زمین‌نشینان در تملک افراد، بلکه اساساً ملک دولت اعلام شد؛ دولتی که خود را وارث جایگاه مقدس مالکیت معرفی کرد. اینجا نوعی دگردیسی رخ می‌دهد: مالکیت از یک «رابطه عرفی زیست‌محور» به یک «رابطه حقوقی اقتدارمحور» بدل می‌شود. این دگردیسی، نه فقط الگوی مالکیت را تغییر می‌دهد، بلکه مفاهیم شهروندی، سکونت و مشارکت را هم دگرگون می‌کند. شهروند دیگر تنها کسی نیست که در شهر زندگی می‌کند، بلکه کسی است که تملک رسمی دارد، سند دارد و در نظام ثبت، بانک و شهرداری به رسمیت شناخته شده است. شهر تهران، به ویژه از دهه ۷۰ به این سو، با شدت بیشتری درگیر یک نظم فضایی مبتنی بر حذف و سلسله‌مراتب شده است. برج‌سازی در مناطق مرکزی و شمالی، هم‌زمان با عقب‌نشینی دولت از ساخت مسکن اجتماعی، به گسترش فقر و حاشیه‌نشینی انجامیده است. اما مسئله فقط جغرافیا نیست؛ مسئله این است که چه کسی در شهر «حق بقا» دارد و چه کسی نه. تخریب سکونتگاه‌های غیررسمی، جمع‌آوری بی‌خانمان‌ها از فضاهای عمومی، فشار به اجاره‌نشینان بدون قرار داد و فقدان سیاست‌های حمایتی، همه بخشی از سیاست حذف‌اند. این حذف گاه فیزیکی است، گاه نمادین و گاه قانونی. دولت با قانون‌گذاری، شهرداری با سیاست‌گذاری و بازار با قیمت‌گذاری، همه در این حذف سهیم‌اند. در این میان آنچه دیده نمی‌شود، مقاومت‌های خاموشی است که در دل همین فضاها شکل می‌گیرد. سکونت حتی اگر غیررسمی باشد، شکل‌بندی از تعلق است؛ نوعی ایستادگی در برابر حذف. تهران امروز، شهری است با بیش از ۴۹۰ هزار خانه‌ی خالی، در حالی که شمار افرادی بی‌خانمان، اجاره‌نشینان فشرده‌شده و مهاجران فاقد سرپناه، روز به روز در حال افزایش است. خانه‌هایی که ساخته شده‌اند، اما نه برای زیستن، بلکه برای سوداگری. در چنین شرایطی، ایده‌هایی مثل «اشغال خانه‌های خالی» که در متن «حق سرپناه» به آن اشاره شد، در ایران کمتر ظهور یافته‌اند؛ نه از آن‌رو که نیاز نیست، بلکه چون زیرساخت‌های قانونی و اجتماعی آن برای کنشگری وجود ندارد. بدین حال این وضعیت نشان می‌دهد که مالکیت نه فقط به معنای حق استفاده، بلکه به معنای حق حذف دیگران نیز هست و این همان موضوعی است که ما را به پرسش از اخلاق مالکیت در شهر می‌رساند. در چنین بستری، نظریه‌هایی چون «حق به شهر» اهمیت بیشتری می‌یابند. لوفور، هاروی و دیگر متفکران عدالت فضایی، مفهوم شهر را نه به عنوان کالایی برای خرید و فروش بلکه به عنوان عرصه‌ای برای زیستن، دگرگون‌سازی و مشارکت در زندگی جمعی مطرح می‌کنند. حق به شهر، حقی فردی نیست؛ حقی جمعی است برای بازآفرینی فضا. شهروندان عادی در فرآیندهای تصمیم‌سازی شهری نقشی ندارند. شوراهای محلی ضعیف‌اند، ساخت‌وسازها بدون مشارکت ساکنان انجام می‌شود و سیاست‌های شهری بیشتر معطوف به سرمایه‌گذاران و نهادهای قدرت است تا ساکنان واقعی. در نتیجه بسیاری از مردم حتی در محله‌ای که سال‌ها در آن زندگی کرده‌اند، احساس بی‌خانگی می‌کنند. در کنار خانه، فضاهای عمومی نیز بدل به میدان تازه‌ای از حذف شده‌اند. در این فضا کسی که «خانه» ندارد، حتی در خیابان هم «جا» ندارد. ایده «سرپناه برای همه» نه تنها یک مطالبه انسانی است، بلکه شکل دیگری از سیاست است؛ سیاستی که به جای کنترل، بر مراقبت، به جای حذف، بر پذیرش و به جای مالکیت انباشته، بر استفاده جمعی از فضات تأکید دارد.

عکس: خدیجه نادری - مهر



گفت‌وگوی هم‌میهن با **مهدی جمالی نژاد** استاندار اصفهان درباره ارسال پیامک به زنان و حواشی پروژهای انتقال آب که در ماه‌های اخیر دوباره بحث‌برانگیز شده است

برای ارسال پیامک‌های حجاب ضوابط قانونی داشته‌اند

۴۲ مدرسه اصفهان به دلیل فرونشست تعطیل شدند



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

مهدی جمالی نژاد، استاندار اصولگرای اصفهان حالا هشت ماه است که سکان استانداری این استان را با حواشی زیاد در دست گرفته و تلاش می‌کند نشان دهد، قضاوت‌ها درباره او و انتخاب‌هایش نادرست بوده و خودش را با برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و البته همراهی با دولت معرفی می‌کند.

او در گفت‌وگوی مفصل با «هم‌میهن» که در ساعات بعد از همایش اردیبهشت‌ماه استانداران در وزارت کشور انجام شد، از انتخاب‌های بحث‌برانگیزش دفاع می‌کند و تمایل چندانی به بحث درباره ارسال پیامک‌های حجاب ندارد. بهانه گفت‌وگو با او، ارسال این پیامک‌ها و وضعیت بحرانی فرونشست و خشکسالی در این استان است؛ چون جمالی نژاد نه تنها به عنوان استاندار این استان، بلکه به عنوان رئیس شورای تامین، آن هم به طور مستقیم باید در جریان ارسال این پیامک‌های حاشیه‌ساز قرار گرفته باشد و پاسخی برای آن داشته باشد؛ استانی که به نظر می‌رسد به عنوان پایلوت ارسال آزمایشی این پیامک‌ها از طرف ستاد امریه معروف و نهی‌ازمنکر انتخاب و بعد از آن در شهرهای دیگر هم آغاز شد.

اصفهان حالا غیر از آن چهره تاریخی و فرهنگی، سمت دیگری هم دارد و آن هم درگیری با مشکلات متعددی است که گریبان آن را سال‌هاست گرفته و رها نمی‌کند؛ از مسئله تامین آب کشاورزی و خشکی زاینده‌رود تا آلودگی هوا و فرونشست زمین و تامین آب صنایع و حالا ارسال پیامک‌های حجاب و حضور نیروهای امریه معروف و نهی‌ازمنکر در خیابان‌ها. جمالی نژاد مصر است که اصفهان را باید با اقدامات فرهنگی پیش‌رو معرفی کرد، ارسال پیامک‌های حجاب در همه شهرها صورت می‌گیرد و این فقط اصفهان نیست که با آن روبه‌رو شده است. غیر از پیامک‌های حجاب، جمالی نژاد حالا یکی دیگر از استاندارانی است که باید چاره‌ای برای خشکسالی و فرونشست‌های اصفهان و البته روبه‌رو شدن با تندروی‌ها در حوزه اجتماعی و فرهنگی پیدا کند؛ موضوعی که خودش اعتقادی به آن ندارد و تأکید می‌کند با گفت‌وگو می‌توان آن را حل کرد.

روایت
مدیر

طرح‌ها این موضوع هم دیده شده است یا خیر؟ صنایع آب‌بر، مقیاس بزرگی دارند و نمی‌توان آنها را از استان خارج کرد؛ مثل فولاد مبارکه، پالایشگاه، ذوب‌آهن، نیروگاه و... کاری که ما انجام دادیم این بود که آب مصرفی آنها از زاینده‌رود جدا شد. پروژه آب دریا در حال اجراست که مخصوص استفاده همین صنایع است. این پروژه تا حد زیادی مشکل آب صنایع را برطرف و تا حد زیادی از آب زاینده‌رود بی‌نیاز می‌کند. **پس این صنایع فقط از آب دریا استفاده می‌کنند؟**

بله.

پروژه انتقال آب دریا خلاف توصیه‌های کارشناسی اجرا شده و بحث آب‌شیرین‌کن‌ها هم اکوسیستم محل برداشت (سیرک) را تغییر داده است. به این موضوع توجهی داشته‌اید؟ با چه میزان سرمایه‌گذاری اجرا شده است؟

این طرح برای خود دولت هزینه‌ای ندارد و خود صنایع متولی آن شده و پرداخت کرده‌اند.

از پساب هم استفاده می‌شود؟

بله. اصفهان در بحث پساب یکی از پیشرفته‌ترین استان‌هاست. حتی بعضی از صنایع از همین پساب استفاده می‌کنند. خود صنایع، این پساب را خریده‌اند. خودش تصفیه می‌کند و هزینه‌هایش را پرداخت می‌کند.

فولاد سپاهان از سال ۱۳۸۸ مکلف شده بود که برق مورد نیاز خود را خودش تامین کند. الان این کار را انجام می‌دهد؟
فولاد مبارکه تا یک‌ماه دیگر ۱۲۰ مگاوات و تا خردادماه ۱۴۰۵، ۴۸۰ مگاوات دیگر از انرژی خورشیدی تامین می‌کند.

فرونشست و خشکسالی در استان اصفهان در حال تشدید است. برنامه مشخصی برای آن وجود دارد؟

بحث فرونشست مربوط به تنش‌های آبی است و سال‌هاست که با آن روبه‌رو هستیم. ما اخیراً ورود کردیم و با مرکز تحقیقات راه و شهرسازی مطالعاتی قوی در این زمینه انجام دادیم و کم‌کم در حال پیاده کردن آن هستیم اما مشکل این است که در زمینه فرونشست چیزی به اسم کاهش و توقف نداریم و تنها می‌توانیم روند آن را کند کنیم. در همه شهرهای جهان هم این فرونشست‌ها وجود دارد و بیشترین میزان فرونشست شهری در ایران، در استان اصفهان رخ داده است. بیشترین نقاط فرونشست در دو نقطه شمال و جنوب اصفهان است یعنی دشت مپهار و برخوار اصفهان که مسکونی هم هستند.

فرونشست باعث می‌شود بسیاری از مدارس از حیز انتفاع ساقط شوند. به همین دلیل مجبور شدیم در شمال و جنوب استان ۴۲ مدرسه را از چرخه بهره‌برداری خارج کنیم که روندی نگران‌کننده است. نیمی از آنها قرار است با کمک خیرین بازسازی شوند و در کنار آن قرار است یک تخصیص ویژه هم برای جبران خسارت فرونشست‌ها صورت گیرد. همه همت خود را به کار می‌گیریم که تنش‌های آبی را در یک آینده میان‌مدت دو تا سه ساله حل کنیم. اگر مشکلات آبی حل شود، روند فرونشست هم کند می‌شود اما تا آن موقع هم برنامه مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی را پیگیری می‌کنیم.

یکی از اولویت‌هایی که برای استان اصفهان مطرح می‌شود، خروج صنایع آب‌بر است. در این